

حجاب اجباری برای زنان و دیدگاهها در روزهای قبل و بعد از انقلاب 1357 حمید حمیدی

قبل از انقلاب:

شهرک نوفل لوشاتو درحومه پاریس:

"ما فقط لباسهای جلف را ممنوع خواهیم کرد." (کیهان اول بهمن ۵۷ شماره ۱۰۶۱۸ صفحه ۳)
(به نقل از مصاحبه السفیر با آقای خمینی)

سئوال – چون مرا به عنوان یک "زن" پذیرفته اید، این نشان دهنده این است که نهضت ما، نهضتی "مترقی" است. ولی دیگران کوشیده اند آن را "عقب مانده" نشان دهند. فکر می کنید آیا زنان ما حتما باید حجاب داشته باشند؟ و مثلا روسری رو سر داشته باشند؟
جواب – اما اینکه شما را پذیرفتم، بنده شما را نپذیرفتم. شما آمدید اینجا و من نمی دانستم شما می خواهید بیاید اینجا که پذیرفتم. این هم دلیل بر این نیست که اسلام مترقی است. ترقی هم به این نیست که زنها خیال کرده اند یا مردهای ما خیال کرده اند. ترقی به کمالات انسانی و با اثر بودن یک زن در مملکت است نه به این که سینما برویم که "دانس" برویم و اینها ترقیاتی است که محمد رضا برای شما درست کرد که شما را به عقب رانده که ما باید بعدها جبران کنیم.
(کیهان سوم بهمن ۱۳۵۷ مصاحبه نوشابه امیری با آقای خمینی)
ایران بعد از ۲۲ بهمن ۵۷:

آقای خمینی در روز ۱۶ اسفند ماه ۵۷ در مدرسه رفاه گفت: "در وزارتخانه اسلامی نباید معصیت بشود. در وزارتخانه های اسلامی نباید زنهای لخت بیایند. زنها بروند، اما با حجاب باشند مانعی ندارد بروند کار کنند. لیکن با حجاب شرعی باشند." (کیهان ۱۶ اسفند ۵۷ شماره ۱۰۶۵۵ صفحه ۱)
این در حالی بود که به نقل از روزنامه کیهان (۱۵ اسفند ۵۷ ص ۲)، ایشان چنین گفته بود:
"امام خمینی طی نطقی در مدرسه فیضیه، زنان را دارای حقوق بیشتری از مردان خواندند و با اشاره به زنان صدر اسلام که همدوش مردان در جنگ شرکت می کردند، زنان را در ساختن مملکت و شرکت در امور سیاسی با مردان همراه دانستند."

آقای ابراهیم یزدی در گفت و گو با حمیده امیری خبرنگار کیهان اعلام کرد که: "آنچه در نظام اسلامی باید رعایت شود عفت و عصمت است. ولو اینکه کسی معتقد به حجاب نباشد باید یک اصولی را رعایت کند این مختص به زنان نیست." (کیهان ۵ بهمن ۵۷ شماره ۱۰۶۳۲ صفحه ۱)
پیغام امروز، مطالبی را در مورد اتفاقات روز زن، چنین نقل می کند:

"زنان آزادیخواه برای اعتراض نسبت به ناروایی ها، ددمنشی ها و بی حرمتی های روزهای اخیر علیه زنان، در کاخ دادگستری متحصن شدند. بدین ترتیب مبارزه زنان آزادیخواه علیه تعصب و تاریک اندیشی اوج تازه ای می یابد."

اجتماع بزرگداشت روز زن در دانشگاه صنعتی شریف در روز ۱۶ اسفند با حضور بیش از ۵ هزار زن برگزار شد. در این اجتماع چند زن کارگر و نیز شهلا روزبه برادر زاده خسرو روزبه و خانم حیدری مادر شهید تورج بیگوند سخنرانی کردند و سیاوش کسرایی اشعاری خواند.

در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۳۵۷، جمعیت زنان مبارز اعلامیه ای صادر نمود: "جمعیت زنان مبارز اعلام کرد در روز ۱۷ اسفند به مناسبت روز جهانی زن، در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برنامه خواهند داشت." (کیهان ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ ص ۷) همچنین روزنامه کیهان درواکنش به بیان نظرات آقای خمینی در خصوص قانون حمایت از خانواده چنین نوشت:

"زنان و انجمنهای حمایت از زنان با نوشته ها و گفتار های خود از لغو این قانون انتقاد نمودند. از جمله خانمی طی درج مطلبی در روزنامه، از لغو قانون حمایت از خانواده انتقاد کرده و گفته است قبل از هر چیز این سؤال پیش می آید که آیا در میان تمام این قوانین نادرست و غیر عادلانه تنها می بایست قانون حمایت از خانواده لغو شود؟ تردیدی نیست که قانون حمایت از خانواده نواقص بسیاری دارد که باید اصلاح شود اما نه آنکه جدا از دیگر قوانین بیرون کشیده لغو شود. زن هایی که با وجود تمام نواقص و معایب قانون حمایت از خانواده در حالی که ساعتها پشت در های دادگاه انتظار می کشیدند و سالها از پله های آن بالا و پایین می رفتند حداقل این امید را داشتند که شوهرانشان نمی توانند آنها را غیبا با طلاق دهند و یا همسر تازه ای به خانه بیاورند. قانون حمایت از خانواده ظاهرا به دلیل مغایر بودن با نص صریح قرآن لغو شده است در حالی که این دو ایه از قرآن مفاد آنرا تایید می کند "گر بیم آن دارید که نمی توانید درباره آنها عادل باشید فقط با یک تن ازدواج کنید." و "هرگز قادر نیستید نسبت به زنان خویش به طور مساوی عدالت را رعایت کنید حتی در صورتی که چنین خواسته باشید." (کیهان ۱۳ اسفند ۵۷) قانون وکلا نیز به لغو قانون حمایت از خانواده اعتراض نمود:

"قانون وکلای حمایت از حقوق زن و همچنین جبهه ملی ایران، به لغو قانون حمایت از خانواده اعتراض کرد. در بیانیه قانون وکلا آمده است: آیا این نشانه آن نیست که در دفتر امام و کمیته انقلاب حتی یک زن برای آنکه مافع حقوق زنان باشد و به خصوصیت های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی نیمی از جامعه که حتی در جامعه توحیدی ایده ال نیز نقش خاصی دارند توجه نماید وجود ندارد؟" (کیهان ۱۳ اسفند ۱۳۵۷) در روز ۱۷ اسفند ۵۷ به دعوت جمعیت زنان مبارز، دانشگاه تهران شاهد حضور زنان در اعتراض به حجاب اجباری بود:

"در گردهمایی زنان در دانشگاه تهران به مناسبت اعتراض به حجاب اجباری، نماینده جمعیت زنان مبارز اظهار داشت ما با حجاب مسئله نداریم آنچه که مطرح است این است که زنان در انقلاب شرکت کرده اند و باید نقش واقعی آنها در به ثمر رسیدن این انقلاب نیز تا پایان ایفا شود".

عده ای از زنان ضمن راهپیمایی به سوی رادیو تلویزیون هجوم برده شعار دادند: آزادی زنانه حق مسلم ماست

اینان در نزدیکی ساختمان تلویزیون که برخی ادعا می کردند دیشب مسئولان آن به زنان توهین کرده اند کفشها را در آورده پیاده به راه افتادند. این زنان اظهار داشتند از اینکه مردها برایشان تصمیم می گیرند ناراحتند. این اجتماع سر انجام با حمله به اتومبیل حامل قطب زاده و آسیب دیدن اتومبیل و دخالت نیروهای نظامی پایان یافت."

(آیندگان ۲۲ اسفند ۱۳۵۷)

بدنبال این اعتراضات وسیع، روزنامه کیهان با آقای طالقانی مصاحبه کرد. ایشان در مصاحبه خود ضمن توضیح فلسفه حجاب و مزایای آن در اسلام، نقد حکومت پهلوی و غریزه کردن زنان گفت:

"هو و جنجال راه نیاندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد ماند. و از آنها خواهش می کنیم که با لباس ساده با وقار، روسری هم روی سرشان بیاندازد به جایی بر نمی خورد. اگر آنهایی هم که میخواستند مویشان خراب نشود اگر روی مویشان روسری بیاندازند بهتر است و بیشتر محفوظ می ماند... چه جنگها چه قتلها چه فجایع که تا یک سال قبل دائما هر روز یک قسمت از اخبار روزنامه ها همین فجایع بود. منشا اینها کی بود؟ منشا اینها از کجا بود؟ غیر از همین تحریکات بیجا بود؟ واقعا یک عده زنها این جوانها را اذیت میکردند. آنها یک عده ای شکایت داشتند جوانها ما را اذیت میکنند. یک جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد وسیله کار ندارد زندگی سرو سامان ندارد وقتی این زن را با این صورت می بیند که گاهی یک پیرزن پنجاه شصت ساله خودش را مثل یک دختر ۱۴ ساله نمایش می دهد توی خیابان یا سر کوچه این بیچاره اذیتش میکند. ناراحتش میکند و این یک جور آزار جوانها است و امیدواریم که بعد از این جوانهای ما هم سر و سامان پیدا کنند... اجباری حتی برای زنهای مسلمان هم نیست. چه اجباری؟ حضرت آیت الله خمینی نصیحتی کردند مانند پدری که به فرزندش نصیحت میکند راهنمائیش می کند که شما اینجور باشید به این سبک باشید."

(کیهان ۲۰ اسفند ۵۷ شماره ۱۰۶۵۸)

همان زمان کیهان ۲۶ اسفند ۵۷ در صفحه دوم خود خبری را به نقل از آسوشیتدپرس در پاریس منتشر کرد که بر مبنای آن حدود یک هزار زن آمریکایی دست به تظاهراتی به حمایت از زنان ایران در مقابل کنسولگری ایران در واشنگتن زدند. به گفته این گزارش: "بتی فریدن و گلوریا استیمن دو تن از رهبران جنبش آزادی زنان آمریکا در میان تظاهر کنندگان بودند. همزمان در پاریس هم کمیته بین المللی حمایت از حقوق زن در ایران با حضور یکصد زن برجسته از پانزده کشور دنیا تشکیل شده است."

با اعلام اجبار حجاب اسلامی و طرح این موضوع که "حقوق زنان غربی است" افراد ناشناخته ای تحت عنوان مأموران "کمیته امام" تعرض خشونت آمیز و وسیعی را در معابر عمومی علیه زنان آغاز کردند. این حرکات پراکنده با گردهمایی این روز زنان آزادیخواه در دانشکده فنی دانشگاه تهران پیوند خورد. زنان

شرکت کننده در این اجتماع، خواهان روشن شدن وضع مسأله حجاب، قانون حمایت خانواده و تساوی حقوق با مردان شدند. زنان معترض در حالی که به سمت دفتر نخست وزیری می رفتند، مورد ضرب و شتم گروهی که فریاد "یا روسری یا تو سری" سر می دادند قرار گرفتند. در مقابل دفتر نخست وزیری نیز با شلیک مسلسل و تیر هوایی از آنان پذیرایی شد. در شهرهای خرمشهر و آبادان نیز افراد بی حجاب مورد حمله و آزار قرار گرفتند و فریاد "یا حجاب یا تیزاب" را شنیدند.

افرادی طی تماس های تلفنی به این قضایا معترض شده گفتند: این حرکات را نمی توان انقلابی دانست زیرا آزادی که مهمترین هدف انقلاب بود پس چرا بین زن و مرد تبعیض قائل می شوند. من یک دبیر هستم. از دیروز در همه جا ما را ناراحت می کنند. چرا آقای خمینی قول خودشان را زیر پا گذاشتند. آیا این در شأن مقام رهبری روحانیت است؟ اگر لباس خانم ها غربی است پس مردها هم باید لباس غربی را در آورند و شلوار بندی و کلاه نمدی سر بگذارند".

(پیغام امروز ۱۹/۱۲/۵۷ صص ۲۱ و ۲۰)

حجت الاسلام اشراقی داماد آقای خمینی طی گفت و گویی ضمن اشاره به اینکه منظور از حجاب، چادر نیست، تاکید کرد زنان باید با حجاب در ادارات حاضر شوند.

به دنبال بالا گرفتن بحث و گفت و گو درباره حجاب بانوان، زنانی که به مناسبت روز جهانی زن در راهپیمایی شرکت داشتند، علیه کسانی که به زنان بی حجاب اهانت می کنند شعار دادند. این بحث ها به دنبال مصاحبه تلفنی رادیو ایران با آقای اشراقی اوج گرفت. گزارش ها از چندین مورد برخورد بین زنان بی حجاب با عناصر تند رویی که آنها را ملزم به سر کردن چادر نمودند خبر می دهد. (کیهان ۱۷/۱۲/۵۷ ص ۲)

یک روز بعد در ۱۸ اسفند ۵۷ گروهی گسترده از دختران دانشآموز مدارس تهران، در مقابل دادگستری و دفتر نخست وزیر دست به راهپیمایی و تجمع زدند، که تداوم این اعتراضات در روز ۱۹ اسفند به درگیری منجر گردید.

"معاون نخست وزیری سخنگوی دولت طی مصاحبه ای نظر دولت را درباره حجاب اعلام کرد. وی گفت بدیهی است نخست وزیر و خانواده اش از قدیم طرفدار و مشوق و معتقد به حجاب در حد معقول و عملی و صحیح اسلامی آن بوده اند ولی ایشان و همه آقایان وزرا معتقد و عامل به آیه کریمه لا اکراه فی الدین می باشند و دستور اجبار حجاب برای خانمها صادر نمی نمایند. اعلام صریح دو روز قبل آیت الله العظمی خمینی که احدی حق تعرض و مزاحمت خانم ها را ندارد مؤید عمل دولت بر عدم الزام خانمهای کارمند و مراجعین به ادارات می باشد البته نمایشگری و عریانی و جلفی مسأله دیگری است که مسلما در ایران بعد از انقلاب اسلامی و در دولت های اسلامی نمی تواند جواز و پذیرش داشته باشد".

همچنین از منزل آقای خمینی طی اطلاعیه ای اعلام شد با مزاحمین بانوان به شدت برخورد خواهد شد.
(کیهان ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ ص ۲)

در پی انعکاس نظرات دولت و آقای طالقانی درباره عدم اجبار حجاب، زنان حقوقدان به گمان پایان یافتن مسأله، پیام تشکر آمیزی منتشر کردند.

زنان حقوقدان طی اطلاعیه ای ضمن تشکر از آیات عظام، دولت و خواهران مبارز، مسأله اجبار حجاب را پایان یافته تلقی کرد. (کیهان ۲۱ اسفند ۵۷)

سرانجام در پی صدور اطلاعیه کمیته مرکزی، سخنان مرحوم آقای طالقانی و اعلام نظر دولت موقت مبنی بر آزاد بودن حجاب، زنان حقوقدان با صدور اعلامیه‌ای در ۲۰/۱۲/۵۷ با تشکر از «آیات عظام، دولت و خواهران مبارز» مسأله الزامی کردن حجاب را پایان یافته اعلام کردند. به نظر برخی، مسأله اجباری حجاب به طور موقت حل شده بود و نظام اسلامی در راستای تأمین اولین راه کار خود، از شیوه‌هایی بهره برد و سرانجام نیز موفق گردید .

با پایان گرفتن اعتراضات زنان بر علیه حجاب اجباری، اعتراضات مدافعان حجاب اجباری در روزهای بعد، در برابر بسیاری از ادارات دولتی شکل می گیرد .

"عصر روز ۱۸ اسفند گروهی در محوطه روزنامه به طرفداری از حجاب جمع شده و شعار داده اند:" ما پیرو قرآنیم، بی حجاب نمی خواهیم "مرگ بر این ارثیه پهلوی"، "رهبر ما خمینی، حجاب ما زینبی" و..."
(کیهان ۱۸ اسفند ۱۳۵۷)

صادق قطب زاده سرپرست رادیو تلویزیون روز ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ در اجتماع بزرگی حضور یافت و پس از سخنرانی خانم گوهر الشریعه دستغیب در تحسین از حجاب، آب پاکی را روی دست همگان می ریزد. او با اعلام اینکه انقلاب ایران ۱۶۰ هزار کشته و مجروح داشته است در برابر جمعیت شوریده ای که سازماندهی شده و عموماً زنان با حجاب در آن خودنمایی می کنند ضد انقلاب و عوامل ضد حجاب را تقبیح می کند و رسماً اعلام می دارد:" از امروز مفاهیم جمهوری اسلامی را روشن می کنیم." در قطعنامه صادره تصفیه ضد انقلاب و برخورد با انواع توطئه ها پیش بینی می شود. بند ۱۱ و ۱۲ قطعنامه به زنان اختصاص دارد که مثل تیغ برهنه رو در روی زنان معترض قرار می گیرد. "بند ۱۱: زنان قهرمان ما هرگونه دو دستگی و شکاف در صفوف متشکل و متحد برادران و خواهران انقلابی را محکوم و مطرود می نمایند." "بند ۱۲: خواهران مسلمان ما حجاب را به مثابه سنگر پیکار و حصار تقوی، به تمامی زنان مبارز و انقلابی ابلاغ و پیشنهاد می نمایند." در پایان قطعنامه این جمله آمده است: "درد هر آزاده، بر صادق قطب زاده".

سخنان روحانیون و مراجع درباره چگونگی حجاب بانوان و اعتراض خانم های ناراضی از حجاب اجباری بازتاب های فراوانی در میان جامعه آنروز داشت و روزی نبود که اجتماعی بر سر داشتن یا نداشتن حجاب تشکیل نشود در همین راستا زنان طرفدار حجاب نیز با تظاهرات خود در مقابل مخالفان اظهار نظر می

نمودند:

"عده ای که به طرفداری از حجاب شعار می دادند ضمن اجتماع در محوطه روزنامه با شعارهای "ما پیرو قرآنیم بی حجاب نمی خواهیم" و "مرگ بر این ارثیه پهلوی" پشتیبانی خود را از فرموده امام مبنی بر حفظ حجاب زنان، اعلام کردند." (کیهان ۲۰ اسفند ۵۷)

اما موضوع حجاب اینگونه خاتمه نیافت. آقای خمینی که در سال ۵۷ بعد از تنها اظهار نظر رسمیش در مورد حجاب دیگر هیچ موضعی اتخاذ نکرد، در تیرماه ۱۳۵۹ طی یک سخنرانی، شدیداً از دولت انتقاد کرد که چرا هنوز نشانهای شاهنشاهی را در ادارات دولتی از بین نبرده اند. وی به دولت بنیصدر ۱۰ روز فرصت داد تا ادارات را اسلامی کند.

بعد از این سخنان از صبح شنبه ۱۴ تیرماه ۱۳۵۹ ورود زنان بی حجاب به ادارات دولتی ممنوع شد. البته هنوز لباس فرم یا آنچه که بعدها به نام ماتو مشهور شد، رسمیت نداشت بلکه زنان موظف بودند لباس آستین بلند و پوشیده بپوشند و روسری نیز سر کنند.

اسفند 1357

روزنامه‌ی اطلاعات سخنرانی دو روز پیش امام خمینی در مدرسه‌ی فیضیه را با تیتر «زن در اسلام، حق طلاق دارد.» چاپ کرد.

امام خمینی طی یک سخنرانی چنین گفت: «زنان اسلامی باید با حجاب بیرون بیایند نه این که خودشان را بزک کنند... کار در ادارات ممنوع نیست اما باید زنان با حجاب اسلامی باشند... به من گزارش داده‌اند که در وزارتخانه‌ها زن‌های لخت هستند و این خلاف شرع است. زن‌ها می‌توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند ولی با حجاب اسلامی.»

چهارشنبه- 16 اسفند 1357

روزنامه‌ی اطلاعات سخنرانی دیروز امام را با تیتر صفحه‌ی اول «نظر امام درباره‌ی حجاب زنان» چاپ کرد.

امام در سخنرانی امروز خود در جمع آقایان روحانیون و طلاب گفت: «الآن وزارت خانه‌ها آن طوری که برای من نقل می‌کنند باز همان صورت طاغوت را دارد. در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زنان لخت بیایند. زن‌ها بروند اما با حجاب باشند.»

بحث و گفتگو در دبیرستان‌های دخترانه‌ی تهران و راهپیمایی آنان در موافقت و مخالفت با حجاب، این راهپیمایی‌ها در مرکز، شمال و قسمتی از غرب تهران گسترده‌تر بود. دانش آموزان می‌گفتند: «حجاب پاکی نمی‌آورد و حجاب هرکس در نهاد اوست.»

نماینده‌ی کارکنان زن هواپیمایی ملی گفت: «دولت باید برای خانم‌ها در جهت تقویت حجاب فکری اندیشه کند نه حجاب ظاهری. عده‌ای ما را متهم می‌کنند که نیمه لخت به محل کار خود می‌رویم حال آن که یونیفرم ما کاملاً پوشیده است.»

پنج شنبه- 17 اسفند 1357

تیر اول امروز روزنامه‌ی اطلاعات چنین بود: «انعکاس وسیع نظر امام در مورد حجاب اسلامی». در صفحه‌ی اول این روزنامه مصاحبه‌ی رادیو با حجت الاسلام اشراقی به چاپ رسیده است. خبرنگار در مورد این که برخی با زنان بی حجاب برخوردهای تندی کرده‌اند و آیا نظر امام به این شدیدی بوده است، پرسید. اشراقی پاسخ داد: «باید قوانین اسلام مو به مو به قدر امکان اجرا بشود... معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست. چادر یکی از مصارفش این است که البته بهتر خانم‌ها را می‌پوشاند... مردم هم نباید هرج و مرج ایجاد کنند و باید در نهی از منکر، منکر را با منکر دیگر دفع نکرد. این اسلام نیست... استدعا کنند، خواهش کنند از خانم‌ها [که] حتی المقدور سعی کنند و کوشش کنند که رعایت موازین اسلامی را بکنند... آن‌ها [اقلیت‌های دینی] هم اگر رعایت حجاب اسلامی را بکنند برای این که معلوم نیست این خانم مسلمان است یا غیر مسلمان چه بهتر... بنابر این خواست امام خمینی این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت بشود و خانم‌ها رعایت حجاب اسلامی را سعی بکنند که بتوانند... معنای این که خانم‌ها حجاب اسلامی داشته باشند، هیچ گونه تزویدی برای آن‌ها نیست. این یک حکمی است که رعایتش بر عهده‌ی خود خانم‌هاست.»

انعکاس وسیع نظر امام در مورد حجاب اسلامی

میزان خوشدگی خدمت وظیفه سربازان رجه داران و افسران

دختران و بانوان در حال خدمت از دور شبیه یقانه بر میگردند خدمت وظیفه از دوره جدید بکمال شد

افشاران سختگوی دولت و رائف شامان غلو حقوق بشر دربار

سامی اعضای شورای انقلاب

حجت‌الاسلام بروجردی: حجاب اسلامی لازم نیست عتفا جاذب باشد خواست امام این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت بشود

درباره حجاب اسلامی آقایان نصیحت نکنند ولی هیئتگاه ایجاد سازاخی برای کسی نباشد بیادند امروز درباره

بارداشت شدند

انگلیسی‌ها به ایران‌ها می گویند حالا که نفت نمی دهید گر دشتی درختان مهتوج است!

موقت انقلاب

و کینه‌ها بر نزل و نصب طاق‌های بولانی و...
مجموعی و فکری...
به محافظان در آن زمان...
تعیین فرام گرفته است

یک پهلوی شریف با چهره آشنایی

امروز صبح در دانشکده فنی تهران، کمیته‌ی برگزاری روز جهانی زن مراسمی را برگزار کرد. زنان معترض به حجاب اجباری در دانشگاه تهران تجمع کردند. آن‌ها شعار می‌دادند: «می‌جنگیم علیه حجاب اجباری» و «زن آزاده حجاب فطری دارد.» مردانی هم بیرون از دانشگاه جمع شدند و شعار می‌دادند: «ای زن به تو این گونه خطاب است، بهترین زینت زن حفظ حجاب است.» تظاهرات زنان معترض از دانشگاه به میدان آزادی انجام شد. آن‌ها در میان راه به سمت دادگستری تغییر مسیر دادند. در راه‌پیمایی امروز عده‌ای با توسل به خشونت راه را به زنان بستند که با دخالت کمیته، برخوردها پایان پذیرفت. راه‌پیمایی کنندگان با رسیدن مقابل دفتر نخست وزیری خواستار ملاقات با مهدی بازرگان -نخست وزیر- شدند. (خبرگزاری پارس، تعداد این زنان را 15 هزار نفر بیان کرد) در این راه‌پیمایی همچنین چند تیر هوایی شلیک شد.

جمعه- 18 اسفند 1357

امروز در دانشکده‌ی فنی تهران عده‌ای علیه حجاب اجباری راه‌پیمایی کردند. عده‌ای از موافقین نیز در این مکان حضور داشتند.

دفتر امام خمینی اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر کرد: «بر اساس خبرهای رسیده، گروه‌های جنایتکار و خیانت پیشه تحت عنوان کمیته مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می‌کنند. مأموران کمیته‌های انقلاب موظفند با کمال دقت مراقب باشند و چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند. عاملین چنین اعمالی سریعاً و به شدت مجازات خواهند شد.»



صادق قطب زاده در سخنرانی خود در میان جمعی که برای تأیید او به ساختمان رادیو تلویزیون رفته بودند گفت: «اسلام هیچ وقت در این موارد به زور و تحمیل متوسل نمی‌شود و در اسلام اصلاً زور وجود ندارد. وظیفه‌ی اسلام ارشاد مردم از طریق توصیه و نصیحت است.» وی توصیه‌ی امام در مورد حجاب را نه تنها یک مسئله‌ی فقهی که یک امر انقلابی دانست که مسئله‌ی زور در آن نیست و گفت آن‌هایی که با این بهانه در جامعه تشنج می‌کنند، دانسته یا ندانسته مانند ضد انقلاب عمل می‌کنند و آن‌ها که مزاحم زنان می‌شوند به اسلام و نهضت خیانت می‌کنند.

شنبه - 19 اسفند 1357

امروز زنان در دادگستری تجمع اعتراض آمیزی در مورد حجاب اجباری داشتند. آن‌ها شعار می‌دادند: «می‌جنگیم، می‌جنگیم، بر ضد استبداد» و «رهبر ما خمینی، مرام ما آزادی» جمعی از کارکنان زن رادیو تلویزیون نیز به تجمع کنندگان پیوستند. گروهی از مردان مخالف اجتماع زنان می‌خواستند وارد دادگستری شوند که پاسدارها اجازه ندادند. در همین حال، زندانیان در دادگستری شلوغ کردند. پاسداران برای متفرق کردن مردان تیر هوایی شلیک کردند. همچنین به علت تحصن زنان و درگیری‌ها خیابان‌های اطراف دادگستری بسته و در خیابان‌های مجاور، ترافیک شد. زنان اجتماع کننده همچنین قطع‌نامه‌ای با هشت بند صادر کردند. در این بیانیه با تأکید بر این که «[رهبر انقلاب] صریحاً متذکر شده‌اند که هزار و چهارصد سال به عقب بر نمی‌گردند.» اعلام شد: زنان هم وظایف اجتماعی خود را انجام می‌دهند و هم در خانه تربیت نسل آتی مملکت را و پوشش متعارف زنان باید با توجه به عرف و عادت به تشخیص خود آن‌ها واگذار شود. حق برخورداری مساوی با مردان از حقوق مدنی و حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، برخورداری از آزادی بیان، عقیده، شغل و اجتماعات برای زنان و مردان و امنیت کامل زنان در استیفای حقوق و آزادی‌های قانونی باید تأمین شود. هما ناطق، استاد دانشگاه نیز بیانیه‌ی سازمان ملی دانشگاهیان را خواند که در آن آمده بود: «ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم... زنان بی حجاب هرگز به زنان باحجاب توهین نکرده‌اند، بنابر این ما خواستار احترام متقابل هستیم.» پس از پایان این تجمع، کمیته‌ی انقلاب از اتوبوس‌های شرکت واحد برای انتقال دختران دانش آموز به خانه‌هایشان استفاده کرد.



عده‌ای از زنان معترض به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند که در حوالی دانشگاه، عده‌ای آن‌ها را هو می‌کردند.

امروز همچنین سلیمی جهرمی مدیر کل آموزش و پرورش تهران با دانش آموزان در دبیرستان‌ها در مورد حجاب بحث‌هایی کرد. در چند دبیرستان دخترانه، تظاهرات در موافقت و مخالفت با حجاب شکل گرفت.

مجتهد شبستری از مسئولین رادیو تلویزیون در مصاحبه‌ای گفت: «کسانی که در تظاهرات حجاب شرکت کرده بودند، روی هم رفته خواهان خط فکری رژیم گذشته هستند... آن چه در جامعه مطرح شده است، مسئله‌ی اجبار حجاب نیست، بلکه مسئله‌ی فرهنگی آن است که تمام جامعه را در بر می‌گیرد... نه مرد و نه زن هیچ کدام نمی‌توانند جو جامعه را تبدیل به جو «س ک س ی» کنند... حجاب اسلامی در چادر خلاصه نمی‌شود.»



گذری و نظری

برویدادها

برادرم! این تو نبودی

برادرم! هنوز طنین صلیت که فریاد میکردی «درود بر تو خواهر مبارز» در گوشم می‌پیچد. خوب به یاد دارم چگونه من و تو باهم با گام هیمان و با فریادهایمان آرامش گورستان دشمن را برهم ریختیم. من و تو بودیم که زمزمه‌هایمان فریاد شد و فریادهایمان خواب راحت را از چشم خصمان براند. من و تو بودیم که فریاد کشیدیم «مشت گره کرده ما فریاد سلسل میشوند». روز ۱۷ شهریور، من و تو بودیم که به خیابان‌ها ریختیم. یادت هست روز عاشورا صف و جمعیت را چگونه می‌شکافتی تا برای خواهرت که تشنه بود جرعه‌آبی پیدا کنی؟ روز ۲۱ دیماه یادت هست که تو کوکتل مولوتف می‌ساختی و من برای چاشنی کوکتل مولوتف صابون رنده میکردم؟ یادت هست که کوکتل مولوتف‌ها را چه بی‌باکانه به سوی تانک دشمن پرتاب میکردم تا تو مسلح شوی تا ما پیروز شویم. من و تو در روزهای قیام و انقلاب باهم بودیم. یادت هست در صبح روز آزادی چه صمیمانه دست‌های یکدیگر را فشردیم و باهم بهار آزادی را جشن گرفتیم؟

ولی برادرم! دیروز چندن بظاهر منعصب را به عنوان یک متعرض به خود و دیگرخواهرانم دیدم. براه افته بودیم که فریاد بکشیم: «زن و مرد کشته شدند، هر دو باید آزاد باشند» که بازهم فریاد کشیم: «زنان‌ها، زحمتکش‌اند، زحمت کشان آزاده‌اند» ولی آنها در مقابلم ایستادند و فریاد‌های آزادیخواهیم را در گلویم خفه کردند. آنها بودند که بر سرم فریاد کشیدند «یاروسری، یاتوسری». نه! تو آن برادر خوب من نبودی که این چنین خصمانه نگاهم می‌کردی. این تو نبودی که برای ترساندن تیر هوایی شلیک کردی. نه برادرم این تو نبودی که باعث شدی من در طلوع آزادی جانی آزادی را خالی بینم. میدانم برادرم! که تو با من خواهی بود و ما با هم در کنار یکدیگر با دشمنانی که تاوندی هر دو پتان آرزوی آنهاست خواهیم جنگید. میدانم که تو بازهم با غرور نگاهم خواهی کرد و فریاد خواهی کشید «درود بر تو خواهر مبارز».

ناهید مستجاب‌الدعوه نیز نوشت: «من یک معلم هستم و به تمام اصول دینی و مذهبی پایبندم. در نتیجه به حجاب هم مانند اصول دیگر اعتقاد دارم... دوستان غرب زده مرا امل خطاب می‌کردند و آشنایان خشکه مقدس که اسلام تحمیلی را پذیرفته بودند من را یک لامذهب می‌دانستند و می‌گفتند که بدون چادر هرگز عبادت‌هایم مورد قبول خداوند قرار نخواهد گرفت! در تظاهرات نیز در حالی که... فریاد می‌زدم: آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی، با این متلک روبرو می‌شدم که اول یک چادر بدوز، بعد جمهوری اسلامی را فریاد کن!... آیا چریک‌های ما باید با چادر به جنگ دشمن بروند؟ آیا باید ما با چادر پشت میز ادارات بنشینیم؟»



هوشنگ امیری در یادداشت «این جانیان که به زنان حمله می‌کنند» نوشت: «چون اوباشان و جانیان به زنان توهین و آن‌ها را به مرگ تهدید می‌کنند. چند جا زنان را به باد کتک می‌گیرند، جایی جامه بر تنشان می‌درند، در دانشگاه تهران مسلسل به دستی می‌خواست آن‌ها را به رگبار ببندد... این‌ها که زنان را، حریم مقدس و انسانی آن‌ها را

می‌آلایند چه کسانی هستند؟ جواب را در اعلامیه‌ی کمیته‌ی امام می‌یابیم که آن‌ها را جنایتکار و خیانت پیشه می‌خواند و غیر از این نیست.»



حجت الاسلام اشراقی در یادداشتی اختصاصی برای کیهان نوشت: «بانوان... چه خویشت جهاد با نفس که بزرگ‌ترین جهاد است، بنمایند. (البته بانوان مسلمان بی حجاب)... شما آزادی دارید، اما شخصیت و شرافت شما به حجاب اسلامی است...»

سیمین دانشور هم در مقاله‌ای با عنوان «بپایید ایران ویران را آباد کنیم» نوشت: «رضاخان به زور و خشم حجاب را از سر زنان برداشت و پسرش قانون حمایت خانواده را پیش آورد. هیچ کدام اساس درستی نداشت... من به انقلاب مردم ایران عشق می‌ورزم. در انقلاب اسلامی ایران با ابعاد وسیع و حیرت انگیزش، زنان همگام مردان بودند... من حضرت خمینی رهبر انقلاب مردم ایران را کلمه الحق می‌دانم... چنین مردی بارها و بارها گفته است که مسئول نسل آینده است و آرزویش نظام حکومتی است اسلامی و ایرانی که حافظ استقلال و دموکراسی باشد... متأسفانه دست‌های مرئی و نامرئی در کار و در راه است و می‌داند که آسان‌ترین راه مخدوش کردن چهره‌ی پاک انقلاب مردم ایران، تفرقه اندازی... است... خوشبختانه هوشیاری حضرت خمینی و دل‌آگاهیش به این بحث خاتمه داد و حق زن را در اسلام حتی برتر از مرد شمرد. اینک مسئله‌ی حجاب مطرح شده است، به وسیله‌ی تلفن و از طریق رادیو و آن هم نه به زبان حق خود حضرت خمینی... خیال همه را راحت کنم که حجاب به صورت چادر یک مسئله‌ی اسلامی نیست، یک مسئله‌ی سنتی است... سرانداز و چادر بیشتر پوشش خاص زنان درباره‌ی

یغمانش و عیلام... بوده است. اما چه مسئله‌ی چادر و چه حجاب شرعی اسلامی... از مسائل فرعی و فقهی و ظاهری است در حالی که فعلا کوهی از مشکلات در برابر ما برپا ایستاده است... درد زن‌ها را می‌دانم. مسئله بر سر این نیست که حجاب به سر بکنند یا نکنند. مسئله در ترس از لچک به سر شدن است. مسئله بر سر ترس از دور ماندن از مسئولیت عظیم است.»



بیایید ایران و ایران را آباد کنیم

● در حالیکه کوهی از مشکلات داریم، طرح مسائل فرعی حاصلی جز تشنگی ندارد.

فصل نداشتیم در باره زنان به تنهایی، مطالبی ننویسم، چرا که مجموع زن و مرد و کودک را واحدی از خانواده انسانی می‌دانم و اگر در کشورها این خانواده مورد استثمار و استعمار و استکبار و استفساف و استعمار قرار گرفته، دسته جمعی بوده است، همگی باهم ستم درمماند و رنج کشیده‌اند. بارها خانمها از گسروجهای مختلف از من خواستند که به سازمان یا جمعیت یا حزب منحصر از دانشجویان پیونددم و استادان آن بود که زن‌ها همواره گرفتار ستم مضاعف بوده‌اند. ستم دانشگاه از یکطرف و ستمی که از مرد سالاری در خانواده بر آنها رفته است از جانب دیگر. نه‌درفتم و استادانم چنین بود که اگر عدالت حکمروا کرده، زن و مرد و کودک که در پناه آن خواهند آسود و اما ستم دوم را بی‌پاسنی یا خود مردان حل کرده و با مردان به تفاهم رسید که پدران و شوهران و برادران و پسران ما هستند و جمعیت‌های زنانه سواي مردان بکنوع جبهه‌گیری در برابر آنان است و نکند که این جمعیت‌ها موجب تفرقه اندازی در این دورانی شود که بیش از هر زمان به وحدت کلمه

سیمین دانشور

افراطی از چپ و راست؟
این دسته ابتدا لغو قانون حمایت خانواده
استناد به رای دفتر امام در یک مورد استناد

یک شنبه - 20 اسفند 1357

تیترا اول امروز اطلاعات به نقل از آیت الله طالقانی: «در مورد حجاب اجبار در کار نیست.» وی که دیروز همسرش فوت کرده است در مصاحبه‌ای رادیو تلویزیونی گفت: «حجاب اسلامی حجاب شخصیت و وقار است و هیچ اجباری هم در مورد آن در کار نیست...مسلمانان نظر امام هم به مصلحت زنان ما و هم خواهران و دختران ماست و هم مطابق با موازین اصول دین مبین اسلام است... حجاب یک مسئله‌ی سنتی و تاریخی است در عمق تاریخ ما و تاریخ شرق... اشتباه می‌کنند خانم‌های ما که اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این‌ها از حیثیت آن‌ها کم خواهد شد... حجاب

ساخته‌ی من و فقیه و این‌ها هم نیست، نص صریح قرآن است. آیه‌ی حجاب برای شخصیت دادن به زنان است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد... اصل مسئله این است که هیچ اجباری هم در کار نیست و مسئله‌ی چادر هم نیست.»



مهدی هادوی، دادستان کل انقلاب در بیانیه‌ای مزاحمان خانم‌های بی حجاب را ضد انقلاب دانست و مزاحمت برای آن‌ها را «مخالف منویات امام خمینی» اعلام کرد. وی همچنین گفت طبق تحقیقات این مزاحمین از افراد ضد انقلاب هستند و از «برادران و خواهران عزیز» تقاضا کرد که «بهانه به دست مخالفین انقلاب که می‌خواهند از فرصت سوء استفاده کنند، ندهند.»

آیت الله بهاءالدین محلاتی از شیراز پیام دادند که «تاکید اسلام [بر حجاب] ناشی از ارزشی است که برای طبقه‌ی بانوان قائل شده... از هرگونه ابزار خشونت نسبت به بانوان احتراز کنید.»

کمیته امام نیز در مورد هما (هواپیمایی ملی ایران)، اطلاعیه‌ای به این شرح منتشر کرد: «به دستور کمیته‌ی مرکزی انقلاب اسلامی در مورد حجاب و نحوه‌ی اجرای آن نسبت به خواهران و همکاران ارجمند هما خصوصاً به اقلیت‌های مذهبی تحت هیچ شرایطی اعتراض و یا دستورالعملی صادر نفرماید. تنها دستورات و نصایح امام خمینی دامت برکاته مورد قبول ملت ایران است. از طرف کمیته‌ی امام- مجید ساعی»

اطلاعیه کمیته انقلاب مورد «هما»

شورای هماهنگی انقلاب
اسلامی در هواپیمایی ملی
ایران «هما» اطلاعیه کمیته
امام را امروز بشرح زیر
اعلام زیر اعلام کرد :

بسمه تعالی

بدستور کمیته مرکزی
انقلاب اسلامی در مورد
حجاب و نحوه اجرای آن
نسبت به خواهران و
همکاران ارجمند «هما»
خصوصاً به اقلیت های
مذهبی تحت هیچ شرایطی
اعتراض و یا دستورالعملی
صادر نفرمائید، تنها دستورات
و نصایح امام خمینی را
برکات مورد قبول ملت ایران
است ، از طرف کمیته امام
ساجد ساعی :

صبح امروز هم هزاران نفر از زنان که توسط حلقه‌ای از مردان محافظت می‌شدند، به سوی میدان آزادی راه‌پیمایی کردند. به دنبال آن‌ها عده‌ی زیادی از مردان با شعار «ساواکی، منافق، پیوند تو ننگین باد» و «بی حجاب، کمونیست، طرفدار کارگر نمی‌شه.» حرکت می‌کردند. این زن‌ها به علت تهاجم مردم نتوانستند در میدان آزادی سخنرانی کنند و به تدریج پراکنده شدند.

امروز عده‌ای از زنان در تهران مقابل وزارت امور خارجه گرد آمدند و با صدور قطع‌نامه‌ای خواست‌های خود را در جهت تأمین حقوق زنان مطرح کردند. این عده نامه‌ای برای تسلیم به مهندس بازرگان آماده کردند. جمع دیگری از جمله چند تن از هنرپیشگان زن تئاتر نیز به این گروه پیوستند. گروهی از زنان کارمند بانک سپه نیز با حجاب اسلامی به روزنامه‌ی اطلاعات آمدند و اعلام کردند طبق توصیه‌ی امام عمل کرده‌اند.

همچنین در دانشگاه تهران زنانی حضور یافتند و با هم بحث و گفتگو کردند. در این تجمع که تا ظهر طول کشید، عده‌ای از مردان شعار می‌دادند: «مسئله‌ی حجاب نیست، توطئه‌ی آمریکاست.» عده‌ای از دختران دبیرستانی هم شعار دادند: «مسئله‌ی حجاب نیست، مسئله‌ی اعدام است.»

جمعیت زنان و اتحادیه‌ی انقلابی زنان مبارز هم‌زمان با تظاهرات زنان در دانشگاه صنعتی، با انتشار پرسشنامه اقدام به عضوگیری کرد.

در سنج، صدها تن از زنان در یک راه‌پیمایی، توهین به بانوان را محکوم کردند. در اصفهان نیز حدود 50 نفر از زنان کارمند و دانشگاهی و 2 تن از بانوان قاضی به دفتر روزنامه‌های کیهان و آیندگان رفتند و به حجاب اجباری اعتراض کردند. آن‌ها گفتند فردا مقابل دانشگاه اصفهان تجمع می‌کنیم. در چند دبیرستان دخترانه تبریز نیز، دانش آموزان در اعتراض به برقراری حجاب، سر کلاس نرفتند.

دکتر علی اصغر حاج سید جوادی در مقاله‌ای با عنوان «نه استالین، نه سلطان سعید بن تیمور» در روزنامه‌ی اطلاعات نوشت: «این دستور که زن‌ها باید حجاب اسلامی بپوشند [به] نتیجه‌ای جز افزایش ناراضی و سرخوردگی از انقلاب از طرف مردم و افزایش درگیری بین مردم و مأموران کمیته‌ها نمی‌رسد.» وی در ادامه آورد: «این که اصول و فروع دین اسلام را کسی جز روحانیون و عالمان دین نمی‌تواند و نباید بفهمد و تفسیر کند و با شرایط زمان و مکان محیط زندگی خود توجیه نماید هیچ گونه پایه‌ی عقلی و منطقی ندارد و هدف اساسی آن چیزی جز تمرکز قدرت مذهبی در دست گروهی خاص و ایجاد فاصله‌های مصنوعی بین مردم و مذهب و قرار گرفتن بین مردم و مذهب به عنوان واسطه نیست... اگر منظور از حجاب اجتناب و پرهیز زن‌ها از افراط در خودآرایی و برهنگی و جلفی است در این صورت لازمه‌ی حضور زن در یک فضای انقلاب اجتماعی حفظ حرمت و حیثیت خود از طریق مراعات در ایجاد تعادل اساسی در شکل و وضع و حرکت خود می‌باشد. اما اگر منظور از حجاب اجبار در پوشیدن چادر و استعمال روسری است در این صورت به افراد غیر مسئول و یا کسانی که اکنون خود را در شهرهای ایران

مسئول تأمین نظم می‌دانند اجازه می‌دهد که به بهانه‌ی این دستور دست به اعمال خشونت نسبت به زن‌ها بزنند.»

بعد از ظهر امروز صادق قطب زاده سرپرست رادیو و تلویزیون ملی، به میان دختران دبیرستانی معترض به سانسور آمد که مقابل ساختمان تلویزیون تجمع کرده بودند. او گفت: «ما اجازه نمی‌دهیم حتی به اقلیت ظلم شود اما اجازه نمی‌دهیم اقلیت به دیگران که حجاب دارند تهمت‌هایی بزنند.» وی همچنین درباره‌ی پخش نشدن فیلم بانوان معترض از تلویزیون گفت که فیلم‌ها برای نمایش آماده نبوده است. (این فیلم، امشب از تلویزیون پخش شد) برخی گزارش‌ها تعداد این افراد را 50 نفر و یکی از شعارهای آن‌ها را «آزادی، استقلال، جمهوری مردمی» اعلام کرده‌اند. معترضین می‌گفتند تنها بخش کوتاهی از تجمع که در آن شعار «درد بر خمینی، سلام بر آزادی» بوده، از تلویزیون پخش شده است.

بنابر گزارش اطلاعات، امام خمینی در دیدار ساعت 7 و 30 دقیقه‌ی بعد از ظهر امروز با خبرنگاران خارجی، در پاسخ به یک خبرنگار زن فرانسوی که درباره‌ی مسئله‌ی حجاب و اعتراض زنان ایرانی پرسیده بود، پاسخ داد: «همان نظرانی که آقای آیت الله طالقانی فرمودند، مورد نظر من و صحیح است.»



شهلا روزبه در روز جهانی زن در مورد کشف حجاب رضاخانی گفت: «کشف حجاب، نارضایتی عمومی‌ای در زنان ایجاد کرد. توده‌ی وسیع آنان که همچنان پای بند سنت‌ها و آداب زندگی خاص خود بودند، در مقابل این دستور مقاومت می‌کردند... اصلاحات اجتماعی‌ای که رضاشاه صورت داد، تماما در جهت حفظ منافع خود و پایگاه اجتماعی‌ای که وی بر آن متکی بود یعنی فئودال- بورژواها عمل می‌کرد.»

قضات و وکلای زن دادگستری در بیانیه‌ای از آیات عظام و دولت موقت مهندس بازرگان که «با درایت سیاسی و انقلابی خود» عدم اجباری بودن حجاب را اعلام کردند، تشکر کردند و مسئله‌ی تحمیل حجاب را پایان یافته تلقی کردند.



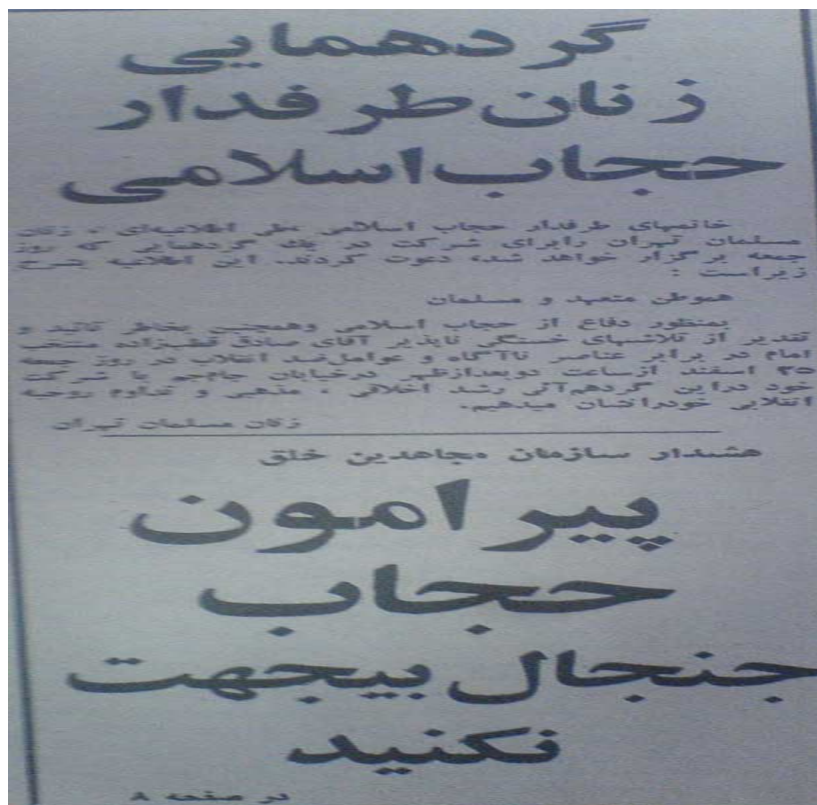
دوشنبه- 21 اسفند 1357

گروهی از زنان در دانشگاه تهران تجمع کردند. عده‌ای از دانشجویان مسلمان به مخالفت با اجتماع زنان شعار می‌دادند و می‌گفتند این‌ها طرفداران قانون اساسی هستند و باید در میدان امجدیه تجمع کنند. مراسم راه‌پیمایی صبح امروز زنان در مخالفت با تحمیل حجاب که قرار بود از دانشگاه تهران به سمت میدان آزادی برگزار شود، منتفی شد. علت این امر این بود که چند تن از زنان سخنران در دانشگاه تهران گفتند چون به نکات مورد نظر خود در مورد لغو تحمیل حجاب دسته یافته‌ایم، دلیلی ندارد راه‌پیمایی کنیم. در این برنامه زنان شاغل در ادارات مختلف و دانش آموزان دختر دبیرستانی حضور داشتند.

همچنین در تبریز عده‌ای از راه‌پیمایی اعتراض آمیز دختران دانش آموز و دانشجو و زنان شاغل جلوگیری کردند و چند تیر هوایی شلیک شد و زنان نیز در خیابان متحصن شدند. از بندرعباس نیز خبر رسید که گروه کثیری از دختران دانش آموز و زنان معلم و شاغل در مخالفت با حجاب اجباری راه‌پیمایی کردند.

خانم «کیت میل» عضو کمیته‌ی بین‌المللی زنان آمریکا که به دعوت کمیته‌ی دفاع از حقوق زن به ایران آمده بود در یک مصاحبه گفته که به مناسبت 17 اسفند روز جهانی زن در تهران حضور یافته و با توجه به مبارزه علیه شاه سابق با پیامی از «سیمون دوبوار» به ایران آمده است. وی همچنین اعلام کرد حساب رژیم آمریکا از زنان و مردان آزادی خواه این کشور جداست و ما از همه‌ی زنان در برابر هر نوع ستمی دفاع می‌کنیم.

سازمان مجاهدین خلق ایران در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حجاب به عنوان یک نهاد انقلابی اسلام فی‌الواقع چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه... و ما مطمئنیم که خواهران و برادران انقلابی ما... این ضرورت را به بهترین وجه رعایت نموده و خواهند نمود؛ لذا هر موضع‌گیری خصمانه برای تحمیل جبری هر شکلی از حجاب بر زنان این میهن... نامعقول و نامقبول است چرا که بار گران فرهنگ امپریالیسمی را هرگز نمی‌توان به یک باره و جدا از جریان دراز مدت تدریجی... فرو نهاد... مبدا پیرامون مسئله‌ای که اکنون کاملاً حل شده به نظر می‌رسد جنجالی بی جهت برانگیخته شده... از مسئله‌ی اصلی غافل بمانیم.» این بیانیه دو روز بعد در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ شد.

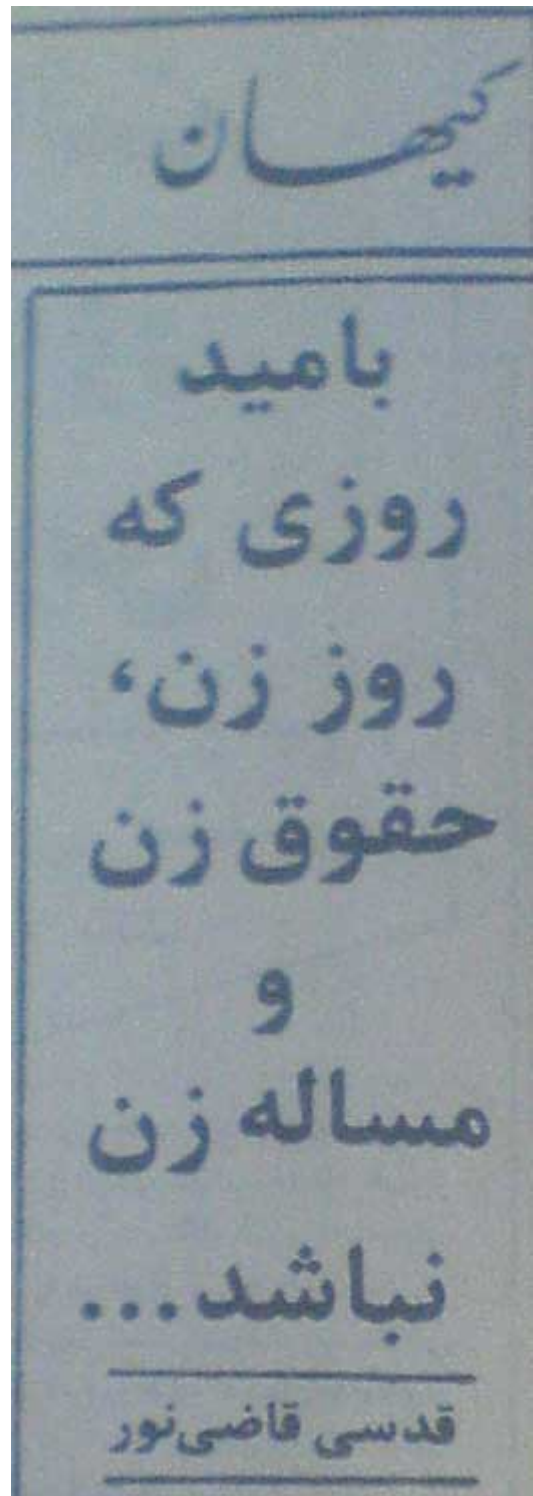


هما ناطق در مقاله‌ای در کیهان نوشت: «من عضو هیچ یک از گروه‌های جمعیت‌های زنان نیستم... من فرد مستقلی هستم... مبارزه زن و مرد نمی‌شناسد... به ما گفتند: ما نیروهای ضد انقلابی... ضد حجاب... طرفداران قانون اساسی... تفرقه انداز هستیم. ما هیچ یک از این‌ها نیستیم... انتخاب نوع پوشاک از ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد است. تحمیل نوع پوشاک در جهت نفی آزادی و در تحریف ایمنی اجتماعی است. در دوران پهلوی کدام مرد از آزادی برخوردار بود که زن از آزادی برخوردار شده باشد... عنوان کردن مسئله‌ی زن، در این برهه از مبارزه و در این مرحله از جنبش یک مسئله‌ی انحرافی است. ما نباید در این شرایط مسئله‌ای به نام مسئله‌ی زن داشته باشیم... خطر انحصارطلبی و تبدیل شدن به گروه فشار در تک تک ما نهفته و باید هشیار باشیم.»

اسلام کاظمیه نیز در این روزنامه نوشت: «صاحب این قلم تا این ساعت که صبح شنبه نوزدهم اسفند است از شهرستان‌ها و زنان و مردان شهرستانی و عکس‌العمل آنان در برابر شعار «حجاب اسلامی» خبری ندارد. گمان نمی‌کنم در آن جاها خبری هم باشد... تب تاب شعار «حجاب اسلامی» از حوزه‌ی محدود شهر تهران و چند شهرستان دیگر فراتر نتواند رفت... تکلیف حجاب و میزان آن را با توجه به زمان و مکان و امکان اشاعه‌ی فساد و نحوه‌ی جلوگیری از آن، اجتهاد تعیین می‌کند، همان طور که امام خمینی عموم مردم را از مزاحمت بانوانی که احتمالاً چادر بر سر ندارند به شدت منع کرده‌اند.»



قدسی قاضی نور هم نوشت: «برای زنان عروسکی که تمام فکرشان، خواسته‌شان و وقتشان صرف زیباتر شدن بوده، روسری کار نهایی است؟... با بستن یک روسری فکر نکنیم که زنان و دختران ما از حالت عروسکی به در می‌شوند، نه... آیا وجود ندارند زنانی که با زنانه‌ترین و بدن نماترین لباس‌ها یک روسری روی سر دارند؟... بیایید کاری کنیم که مسئله‌ای به نام زن وجود نداشته باشد.»

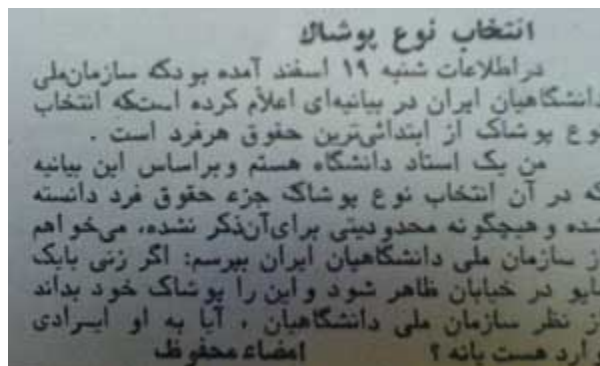


سه شنبه- 22 اسفند 1357

صادق قطب زاده در یک سخنرانی گفت: «چون متأسفانه از فرموده‌های امام خمینی برداشت درستی نشده، عده‌ای فرصت طلب و ضد انقلاب آن را تبدیل به آشوب کردند.»

در بخش پیام خوانندگان روزنامه‌ی اطلاعات امروز، «امضا محفوظ» با اشاره به بیانیه‌ی سازمان ملی دانشگاهیان تهران که در آن گفته شده بود: «انتخاب نوع پوشاک از ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد است»، گفت: «من یک استاد دانشگاه هستم... می‌خواهم از سازمان ملی دانشگاهیان بپرسم: اگر زنی با یک مایو در خیابان ظاهر شود و این را پوشاک خود بدانند... آیا به او ایرادی وارد هست یا نه؟»

[من این بیانیه را در روزنامه‌ها پیدا نکردم. شاید اشاره این خواننده به صحبت‌های هما ناطق بوده است.]



چهارشنبه - 23 اسفند 1357

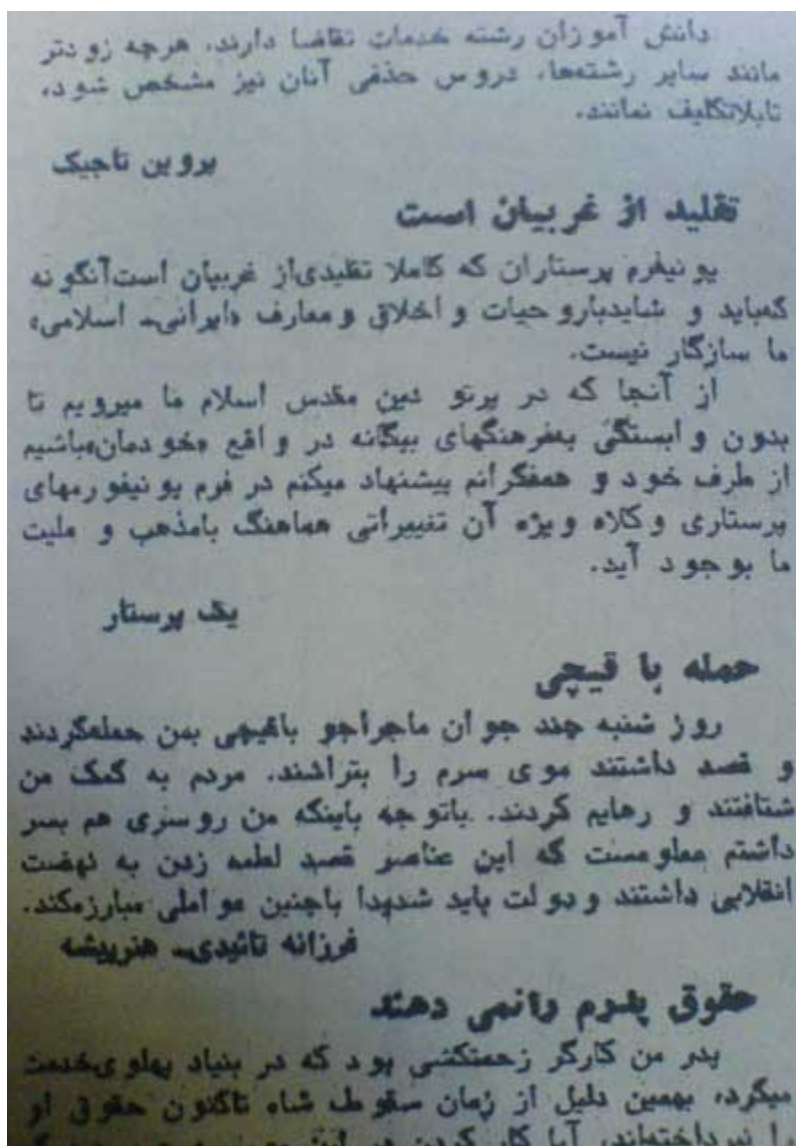
زنان طرفدار حجاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای، زنان مسلمان تهران را به شرکت در یک گردهمایی در روز جمعه دعوت کردند. متن این اطلاعیه به این شرح است: «هم‌وطن متعهد و مسلمان؛ به منظور دفاع از حجاب اسلامی و همچنین به خاطر تأیید و تقدیر از تلاش‌های خستگی ناپذیر آقای صادق قطب زاده منتخب امام در برابر عناصر ناآگاه و عوامل ضد انقلاب در روز جمعه 25 اسفند از ساعت دو بعد از ظهر در خیابان جام جم با شرکت خود در این گردهمایی رشد اخلاقی، مذهبی و تداوم روحیه‌ی انقلابی خود را نشان می‌دهیم. زنان مسلمان تهران»

مهدی بازرگان، نخست وزیر ایران در پیامی تلویزیونی گفت: «می‌روند دایما پشت گوش آقا می‌خوانند که این‌ها در ظروف طلا و نقره غذا می‌خورند، در وزارت خانه‌ها زن‌های لخت هستند و در کاخ‌های فرعون‌ی زندگی می‌کنند. این گرفتاری همیشه بوده، در این گیرودار گرفتاری‌ها و مسائل و مصائب چه موضوعات فرعی را پیش می‌کشند.»

یک پرستار به پیام خوانندگان اطلاعات گفت که یونیفرم پرستاران کاملاً تقلیدی از غربیان است و شاید با روحیات «ایرانی-اسلامی» سازگار نباشد؛ و پیشنهاد کرد در فرم یونیفرم‌ها و کلاه پرستاری تغییراتی متناسب با مذهب و ملیت به وجود آید.

«فرزانه تأییدی» بازیگر هم به اطلاعات گفت: «روز شنبه چند جوان ماجراجو با قیچی به من حمله کردند و قصد داشتند موی سرم را بتراشند. مردم به کمک من شتافتند و رهایم کردند. با توجه به این که من روسری هم به سر

داشتیم، معلومست که این عناصر قصد لطمه زدن به نهضت انقلابی داشتند و دولت باید شدیداً با چنین عواملی مبارزه کند.»

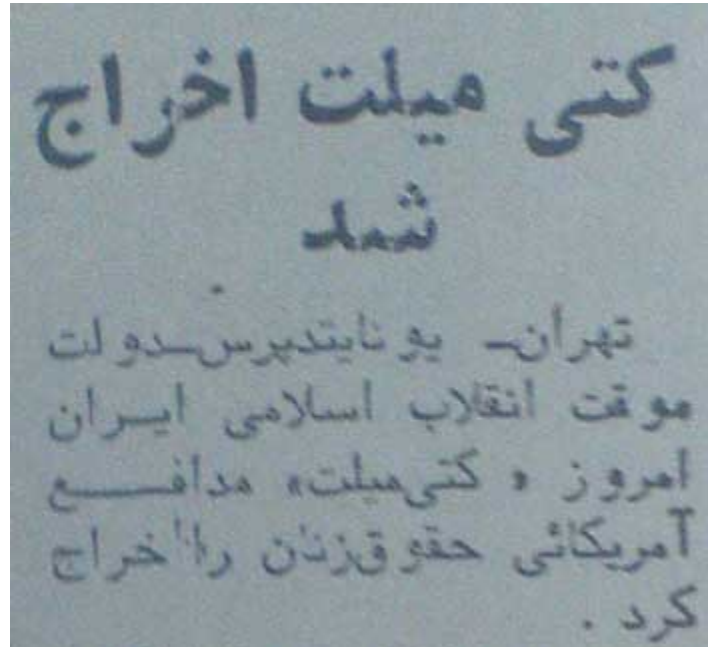


جمعه- 25 اسفند 1357

«کیت میل» رهبر نهضت زنان آمریکا به آسوشیتدپرس گفت که وقتی می‌خواسته در هتل اینترکنتینال کنفرانس مطبوعاتی داشته باشد، مدیر هتل با فریاد از او خواسته از هتل بیرون برود و او در حاشیه‌ی خیابان با خبرنگارها حرف زده است. وی گفت آقای امیرانتظام معاون نخست وزیر گفته است من از ایران اخراج شده‌ام ولی این چنین نیست و اگر از من خواسته شود از ایران بروم، فوراً این کار را خواهم کرد.

شنبه- 26 اسفند 1357

یونایتدپرس خبر داد: دولت موقت انقلاب، «کیت میل» را از ایران اخراج کرد. مأمورین اداره‌ی اقامت اتباع بیگانه وابسته به پلیس به هتل او رفتند و به او گفتند با اولین پرواز ایران را ترک کند. وی از دو هفته پیش در ایران است.



کیهان، پاسخ یک دختر دانش آموز به سیمین دانشور را به چاپ رساند. در این پاسخ آمده است: «با بیشتر قسمت‌های مقاله‌تان هم عقیده هستم، اما در مورد بعضی از مسائل نسبت به نوشته‌تان انتقاداتی دارم... حجاب هیچ گاه مانع فعالیت‌های اجتماعی نبوده و نخواهد بود... طرح این مسئله [حجاب] صرفاً طرح یک مسئله‌ی فقهی نیست بلکه در حال حاضر یک امر انقلابی است... مطمئن باشید همان اسلامی که امر به حجاب می‌کند، همان اسلام به زن امر می‌کند که فاطمه گونه و زینب گونه باید در مسئولیت‌های اجتماعی و صحنه‌ی حق و باطل اجتماع دخالت نمایند... تو آزادی اصلاً حجاب داشته باشی یا نه... ولی منی خواهرم، چادر سیاه بر می‌گیرم تا به همه اعلام نمایم که من عزادارم.»



همچنین در این روزنامه متن سخنرانی ابوالحسن بنی صدر در مورد زنان و تأمین حقوق آنان به چاپ رسید.

یک شنبه - 27 اسفند 1357

آیت الله مکارم شیرازی در مقاله‌ای در روزنامه‌ی اطلاعات، نوشت: «رهبر انقلاب یک حکم مسلم اسلامی را در شکل یک نصیحت بیان کرد... آن‌ها فکر می‌کردند سوژه‌ی خوبی به دست آورده‌اند، ناگهان به آن دامن زده و شروع به سم پاشی کردند. مسئله منحصر به حجاب نیست و ما در آینده نیز با این گونه صحنه‌های ضد انقلابی... روبرو هستیم... برای پیاده کردن اصل و اساس اسلام - تا چه رسد به یک حکم فرعی - توسل به خشونت و اجبار و اکراه در مقررات اسلامی محکوم است... آن‌ها که با مقالات تحریک آمیز سعی می‌کردند این مسئله را بزرگ کنند، حداقل ناآگاهانه تحت تأثیر دشمنان قرار گرفتند... ما در آینده نیز با این گونه صحنه‌ها و این گونه تاکتیک‌ها روبرو خواهیم بود، چرا که هیچ کس... جرئت نمی‌کند از انقلاب بدگویی کند... آن‌ها به دقت مراقبند که در گوشه و کنار رویدادهای مختلف کشور بهانه‌هایی برای ایجاد بدبینی و نفرت در میان گروه‌های انقلابی پیدا کنند... پی بردن به نظرات اسلام در زمینه‌ی حجاب و غیر حجاب بدون تخصص کافی امکان پذیر نیست... سخن از اصول عقاید اسلام نیست. سخن از جزئیات برنامه‌های مختلف آن است.»



دکتر نورعلی تابنده، وکیل دادگستری نیز در مقاله‌ای با انتقاد از انتخاب روز 17 اسفند به عنوان روز زن (به جای انتخاب روز شهادت یکی از زنان شهید در مبارزات ایران و شیعه) نوشت: «مگر بانوان ایرانی فقط همین تهرانی‌ها و همین عده‌ی قلیل هستند؟... امام خمینی... همواره... بانوان را می‌پذیرفت و بارها تصریح فرمود که حجاب مذهبی در همین حد است و اگر غیر از آن بود، در همان ایام صریحاً می‌فرمود. زیرا دیدیم که ایشان در بیان حقایق و احکام دین و ارائه‌ی راه ارشاد، هیچ تساهل ندارند... آیا طرد آثار شوم اختناق و ترک عادت‌ی که مسیر زندگی آینده است، تحمیل است؟... در هیچ جای دنیا افراد حق ندارند نیمه عریان به خیابان بیایند و مقررات و عرف ملت حداقل پوشش را تحمیل می‌کنند... برای ملت ایران که اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمان هستند، این حداقل، همان است که به عنوان پوشش اسلامی عرضه می‌شود. همه‌ی مملکت که تهران نیست و همه‌ی تهران هم که این بانوان معترض نیستند... از همه‌ی این‌ها گذشته بانوان ایرانی باید نشان دهند که با آن زن-عروسک که در سال‌های گذشته از او ساخته بودند، فرق دارند.»



دیدگاه احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی

حزب توده ایران:

حزب توده ایران طی چاپ بیانیه ای در نشریه نوید با اشاره به استقبال مردم ایران از امام خمینی این حرکت را " بزرگترین استقبال تاریخ خواند و ضمن اعلام حمایت از رهبری امام خمینی اعلام کرد دکتر فریدون کشاورز به علت یک سلسله اقدامات ضد حزبی همچون مسافرت به چین و بند و بست با مراجع چینی به منظور ایجاد تفرقه در حزب (توده اخراج شده است.)" (اطلاعات ۱۹ بهمن ۵۷)

به گزارش خبرگزاری فرانسه از پاریس، حزب توده ایران در اعلامیه ای که در پاریس انتشار داد اعلام کرد که اقدام " امام خمینی برای ایجاد یک شورای انقلاب اسلامی را تأیید می کند. در این اعلامیه گفته می شود، " برنامه سیاسی امام خمینی مطابق با برنامه حزب توده در مرحله کنونی برای پیشرفت جامعه ایران است

کیانوری دبیر کل این حزب می گوید: " رهبر مذهبی ایران پشتیبانی ما را به خود جلب کرده است و حزب توده عناصر عینی پیشرو در جنبش ایران را قبول دارد و ما به هر کاری دست می زنیم تا با ایشان یک زبان مشترک بیابیم." کیانوری از پاسخ دادن به سؤال مربوط به وجود تماس میان حزبش و امام خمینی خودداری کرد ولی گفت حزب توده از ابتکارات رهبر شیعه مانند اعلام جمهوری اسلامی، الغای سلطنت، تشکیل مجلس مؤسسان، پشتیبانی می کند زیرا تضمین هایی هستند برای همه اشکال دموکراسی خلق و بهره برداری از منابع ملی به نفع عموم. کیانوری همچنین تأکید کرد که میان سوسیالیسم عملی و نظریه اجتماعی اسلام اختلافات بنیادی وجود ندارد و لذا آمادگی خود را برای همکاری با هر گونه تشکیلات سیاسی حتی یک حزب بورژوا که برنامه حزب توده را تأیید بکند اعلام کرد. (کیهان ۱۲ بهمن ۵۷)

نامه مردم " ارگان رسمی حزب توده در شماره ۲۷۴ به تاریخ ۱۴ تیرماه ۵۹ (بعد از اعلام قطعی شدن حجاب اجباری) " با تیتري درشت چنین می نویسد:

"چه دست هائی در کار ایجاد تشنج اند؟"

ضد انقلاب می کوشد با عمده کردن مسله "حجاب اسلامی" خود را از زیر ضربه خارج سازد و با ایجاد تشنج و نا رضائی، انقلاب و رهبری انقلاب را آماج حمله کند."

سازمان چریک‌های فدائی خلق:

این سازمان در اطلاعیه مورخه ۱۲ شهریور ۵۷ چنین می نویسد:

پانزده سال از سرکوب خونین و قتل عام تودها در خرداد ۴۲، پانزده سال پس از تبلیغات و جار و جنجال‌های رژیم " فاشیستی شاه در باره انقلاب سفید، پانزده سال پس از سرکوب وحشیانه مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم و از بین بردن احزاب و جمعیت‌ها و شکنجه و کشتار انقلابیون، و سرانجام پس از پانزده سال تبلیغ روی شخصیت پوشالی و کثیف شاه خائن و باند درباریان هرزه بعنوان ناجی ملت...."

همزمان با ورود آیت الله خمینی به وطن سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران با پخش اعلامیه ای مقدم ایشان را " (گرامی داشت، " (کیهان ۱۴ بهمن ۵۷)

در سال‌های تأمل؛ وقتی به فکر نگاه به خود و گفتگو با خود افتادم؛ دیدم سپاه ترین برگ در دفتر زندگیم؛ در مقام " دبیر شعبه زنان در سازمان اکثریت، سکوت پر از تمکین من در برابر اجبار حجاب توسط خمینی بوده است!" (جمشید طاهری پور-برگهائی از زندگی بخش دوم)

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران ضمن محکوم ساختن هر گونه اقدامی که به محدودیت اجتماعی حقوق زنان " بیانجامد، معتقد است که باید قاطعانه علیه روابط و باورهای پوسیده ای که شخصیت اجتماعی زنان را لگد مال کرده و زن را تا حد یک "عروسک" تنزل می دهد مبارزه شود. ما معتقدیم مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی زنان را می باید در راستای پیشرفت مبارزه ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلق‌های قهرمان ایران سازمان داد. ما از همه زنان و مردان آگاه و مبارز ایران مصرأ می خواهیم که با فعالیتهای پیگیر آگاهانه میان مردم اجازه ندهند، جبهه سرمایه داری وابسته و ایادی امپریالیسم آمریکا، به سود خود از طرح اجباری کردن حجاب اسلامی بهره برداری کنند. "(نشریه کار شماره ۶۶ سرمقاله حقوق زن و حجاب اسلامی)

سازمان مجاهدین خلق ایران:

به دنبال مبارزات مردم و شدت گرفتن تب انقلاب اسلامی، بختیار لویح انحلال ساواک و تعقیب فاسدان را به " مجلس برد و تصویب نمود. اما این کار تأثیری در مردم مصمم ننمود. از طرفی در کشورهای دیگر مبارزات ضد شاهی همراه را با ایران ادامه داشت و در این راستا مجاهدین خلق سفارت ایران در فرانسه را اشغال کردند. بر اساس گزارش روزنامه کیهان، عده ای با دادن شعارهای الله اکبر و به طرفداری از امام خمینی ابتدا کنسولگری و سپس سفارت ایران در پاریس را اشغال کردند. اشغالگران سفارت، که خود را وابسته به سازمان مجاهدین خلق معرفی نمودند، عکس‌های شاه و خاندان او را از دیوارها کندند و به جای آنها عکس امام خمینی را گذاشتند. این گروه اعلام کردند تا زمانیکه سفیر امام خمینی در پاریس معرفی نشود سفارت را تخلیه نخواهند کرد. افراد سازمان مجاهدین خلق پرچم این سازمان را بر بام سفارت بر افراشته و تابلوی جمهوری اسلامی را بر سر در سفارت نصب کرده اند. "(کیهان ۴ بهمن ۵۷)

در پی بالا گرفتن مسأله حجاب و اظهار نظر سازمانهای گوناگون در این باره، سازمان مجاهدین خلق نیز طی " اطلاعیه ای با اشاره به آزادی که به بهای خون هزاران شهید به دست آمده هشدار داد دنباله گیری مسائلی که در شرایط کنونی از مسائل اصلی جامعه و جنبش ما نیست به هر نحوی باشد موجب انحراف از مسیر اصلی است. در این اطلاعیه با تأکید بر سوءاستفاده عناصر فرصت طلب از این مسأله، تصریح شده حجاب به عنوان یک نهاد انقلابی اسلام چیزی جز کوشش اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه نیست و هر موضعگیری خصمانه بر زنان میهن نامعقول است."

تبریک مجاهدین خلق به رهبر انقلاب و ملت ایران برای فراندوم جمهوری اسلامی "(پیام خلق ۲۶ فروردین ۵۸)" سایر سازمانها و احزاب:

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در اطلاعیه خود به مناسبت ۸ مارس در سال ۸۳ چنین می نویسد: عدم حساسیت نیروهای چپ، مترقی و دمکرات به مسئله زنان و حاکم بودن فرهنگ مرد سالارانه بر بینش سیاسی " این نیروها از جمله عواملی بودند که این تظاهرات را از پشتیبانی لازم برخوردار نکرد. ما در اولین کنگره خود در سال ۷۰ به نقش خود در این رابطه، به عنوان یک نیروی تازه شکل گرفته در آن زمان، که در رابطه با حقوق زنان به پاره ای انتقادات بسنده کرده و عملاً از اعتراضات زنان در سالهای ۶۰-۵۸ پشتیبانی نکردیم، انتقاد کردیم."

دکتر سنجابی رهبر جبهه ملی ایران طی مصاحبه ای با خبرنگار بی بی سی راه جبهه ملی را با راه آیت الله " خمینی در مبارزه علیه استبداد یکی خواند و اظهار داشت: به عناوین و اسامی مختلف سعی کرده اند و می کنند

که جبهه ملی و نهضت روحانی را در برابر یکدیگر قرار دهند. وی درباره مغایرت حکومت اسلامی با فلسفه جبهه ملی گفت: جبهه ملی یک سازمان سیاسی عرفی مستقل است. ما خواستار احترام به آزادی بیان، مطبوعات، عقیده، احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی هستیم. از نظر ما یک حکومت ملی و مستقل که مورد تأیید اکثریت ملت مسلمان باشد همان حکومت اسلامی است." (کیهان ۸ بهمن ۵۷۵۷)

بر این اساس بود که: در بهار ۵۸، رسماً قانون حمایت از خانواده، ملغاً اعلام شد و جای خود را به دادگاههای مدنی داد که حق طلاق را به مراجع شرعی می سپرد.

در بهار ۵۸، سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال تقلیل یافت. به موازات آن، تحصیل دختران ازدواج کرده در دبیرستانها ممنوع می شود و خود به خود بخش وسیعی از دختران از تحصیل محروم می شوند.

در بهار ۵۸، حق قضاوت از زنان سلب شد. زنان دیگر نمی توانستند در رشته حقوق قضایی تحصیل کنند. و کار آموزان رشته حقوق، سرگردان دست به تحصن و اعتراض زدند.

در بهار ۵۸، هنرستانهای مختلط نیز از تصمیمات "انقلابی" بی نصیب نماند و اعلام شد که هنرستانهای مختلط باید تعطیل شوند. خود بخود دختران هنرستانی که مدرسه مستقلی نداشتند، سرگردان شدند.

در بهار ۵۸، حکومت برای محدود کردن مهد کودک کارخانجات و ادارات وارد عمل شد. بانک مرکزی، وزارت آب، سازمان برنامه و بودجه، کارخانجات استارلایت و مینو از آن جمله اند. این اقدامات مورد اعتراض زنان قرار گرفت.

در بهار ۵۸، مراکز رفاه خانواده به تعطیل کشانده شدند و مراکز کمک به کودکان و تنظیم خانواده محدود شد.

مددکاران اجتماعی که در این مراکز مشغول کار بودند به خدمات غیر تخصصی گماشته شدند. توزیع قرص های ضد حاملگی کاملاً محدود شد و تنها در اختیار زنان بالاتر از ۴۰ سال قرار گرفت. حکومت ایران همه این اقدامات را پیش از تدوین قانون اساسی اش انجام داد.